

شهید سالم فولادی



ازتبار علی
سازمان جامع سرواران و دهستانهای استان بوشهر

نام پدر	حسن
تاریخ تولد	۱۳۴۱/۰۱/۰۱
محل تولد	بوشهر - دیر
تاریخ شهادت	۱۳۶۲/۱۲/۱۲
محل شهادت	طلائیة
مسئولیت	رزمندة
نوع عضویت	بسیج
شغل	—
تحصیلات	دوره ابتدایی
مدفن	دیر

زندگینامه

شهید سالم فولادی، در سال ۱۳۳۱ در روستای نرکوو، از توابع شهرستان دیر، به دنیا آمد. فرزند هفتم خانواده بود و تولدش باعث خیر و برکت بود. به علت وضعیت نامطلوب اقتصادی به دیر مهاجرت کردند. شهید از همان کودکی دارای هوش سرشاری بود، به قرآن علاقه داشت. بزرگتر که شد در کنار قرآن، بع کتاب های مذهبی و اخلاقی نیز علاقمند گردید. به انجام به صله ی رحم رحم معتقد بود و پیشگام رفت و آمد با نزدیکان بود. نمازهایش را در اول به جا می آورد و اهل دعا و زیارت بود و در مراسمات مذهبی شرکت فعال داشت. اهل کار و تلاش بود و به مدت ۶ سال با برادرش در کشتی کار کرد. با اوج گیری انقلاب اسلامی در ایران شهر کار می کرد و در راهپیمایی ها نیز شرکت فعال داشت و بعد از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی و بازگشت امام خمینی (ره) به میهن اسلامی، از خوشحالی در پوست نمی گنجید و می گفت هر طور شده باید به زیارت امام بروم و بالاخره موفق شد به دیدار و ملاقات امام خمینی (ره) برود. سپس به دیر بازگشت و بعد از مدتی به شیراز رفت و در مسافر خانه ایران زمین مشغول به کار شد.

با شروع جنگ تحمیلی، مشتاق حضور در جبهه های نبرد حق علیه باطل بود که دوره آموزش نظامی را در شیراز گذراند و بعد از آن به جبهه رفت. در نوبت اول به همراه برادرش حاج مالک با هم به جبهه رفتند و در مرحله دوم از طریق شیراز به جبهه اعزام شد. مرحله سوم نیز از دیر اعزام شد که به کردستان رفت و سرانجام در چهارمین مرحله اعزام به جبهه در عملیات خیبر در منطقه طلائیه در تاریخ ۱۲/۱۲/۱۳۶۲ به شهادت رسید و بدن مطهرش به مدت ۱۱ سال در خاک خونین خوزستان ماند تا سرانجام در تاریخ ۱۲/۸/۱۳۷۳، چند مدت پس از درگذشت مادر چشم انتظارش، بر دستان مردم شهید پرور شهر دیر تشییع شد و در جنت الشهدا^۱ در کنار دیگر شهدا به خاک سپرده شد.

وصیت نامه

بسم الله الرحمن الرحيم

حمد و سپاس بر قادر متعال و سلام و صلوات بر حضرت ختمی مرتبت و اصحابه اجمعین

درود بر رهبر کبیر انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی حامی مستضعفان و درود بر شهدای عالیقدر از صدر اسلام تا جبهه بیت المقدس و سلام بر رزمندگان عزیز حق علیه باطل. و اما بعد، اینجانب سالم فولادی فرزند حسن عضو بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بندر دیر، به خواست خدا عازم جبهه نبرد حق علیه باطل و کفر بوده و با تمام قدرت در برابر صدامیان از خدا بی خبر که همانا دشمن خدا و رسول و مسلمین هستند تا آخرین قطره ی خونم به حرب خواهیم پرداخت تا به لطف خدا به فیض شهادت نائل گردم.

از والده ام که برایم پدر و مادر بوده استدعای عفو داشته و انتظار دارم لیلا وار عمل نمایید و از برادرانم خواستارم که همواره جویای حق و حقیقت بوده و هر گاه و هر جا شخصی بر خلاف قرآن و اسلام به میان آمد با شدت مبارزه کرده و امر به معروف و نهی از منکر نمایند و لو به قیمت جانشان تمام شود و از خواهرانم تمنا دارم راهی جز رضای خدا نجویند و در حدود مقدور زینب وار خدمت به اسلام نمایند. از همه برادران و خواهران حزب الهی استدعا دارم شب و روز دعا به جان مقدس امام امت را فراموش نفرمایند.

در خاتمه وصیت می نمایم در صورت درک فیض شهادت مرا در آرامگاه امامزاده ابوالقاسم کنار برادران شهید دفن نمایند.

و السلام علی عبادالله الصالحین

سالم فولادی ۳۱/۳/۶۱



سازمان جامع اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران